



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

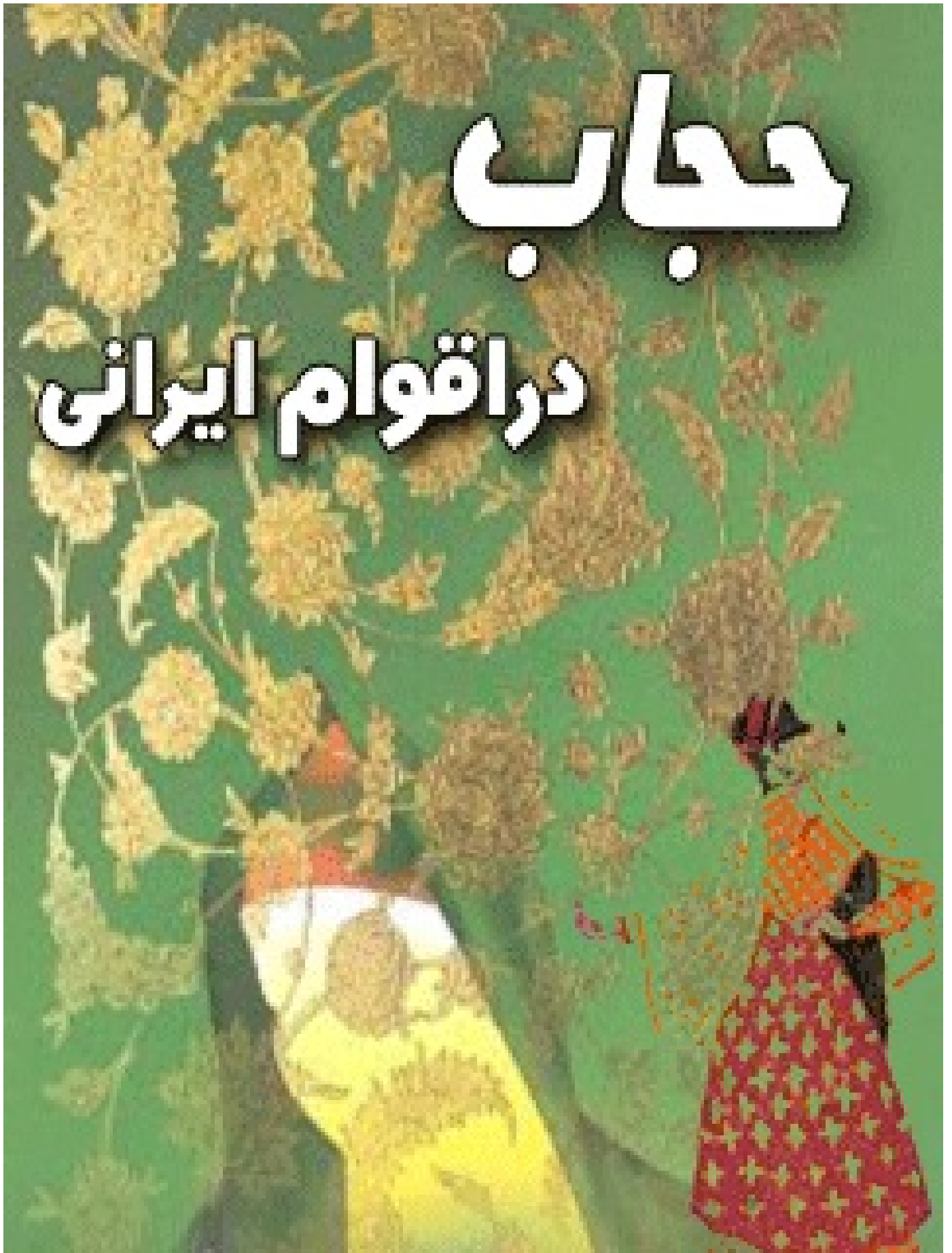


رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حجاب

در اقوام ایرانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب در اقوام ایرانی

نویسنده:

میراث صفوی

ناشر چاپی:

شرکت توسعه گردشگری ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حجاب در اقوام ایرانی
۶ مشخصات کتاب
۶ حجاب جنوب
۱۰ پرنیان هفت رنگ در پوشش زن ایرانی
۱۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حجاب در اقوام ایرانی

مشخصات کتاب

وضعیت نمایه سازی: اطلاعات ثبت شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۳۳۷۳۵ عنوان و نام پدیدآور: ثبت ملی چادر و حجاب اقوام ایرانی در فهرست میراث صفوی [کارت] وضعیت نشر: تهران: شرکت توسعه گردشگری ایران، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۱ کارت: رنگی؛ ۱۷×۲۵ اس.م. (تاشده ۱۳×۱۷ اس.م.) یادداشت: پاسداشت استقامت شیرزنانی که در برابر کودتای فرهنگی ۱۷ دی ۱۳۱۴ و کشف حجاب رضاخانی ایستادند و گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان مسجد گوهرشاد در تاریخ ۲۶/۱۰/۸۸ در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی چکیده: شاخه گل آفتابگردانی ک حجاب بصورت شاخه آن شده و پرچم سه رنگ ایران و عنوان در پایین کارت

حجاب جنوب

نگاهی به برقع، پوشش زنان استان هرمزگان از سبز به قهوه ای نقاب یا پوشش صورت مخصوص زنان سواحل خلیج فارس، بدون لباس مخصوص آنها معنی نمیدهد. برقع را معمولا با شال های رنگی یا چادرهای بندری می پوشند که پر از نقش و نگار و رنگ هستند. چشم ها و دست ها برقع؛ پوششی دست دوز و میراث معنوی مردمان سواحل خلیج فارس که هنوز چهره زنان جنوب ایران را می پوشاند قشم موزه مردم شناسی است؛ همین حالا و در همین روزگاری که همه رسم ها و یادهای سنتی و ماندگار ایران در حال تحول جدی است. سفر به این جزیره پهناور، یعنی برخورد با تمدن کهنی که هنوز هم بسیاری از آداب و رسومش به جا مانده. درست است که شهر قشم در این جزیره با ساختمان های تجاری و پاساژهای مدرنش دیگر شباهتی با روزگاران گذشته خود ندارد اما همین جا هم هنوز ردپای تاریخ مردمان جنوب به خوبی مشخص است. یکی از آنها نقاب مخصوصی است که زنان این جزیره به صورت می زنند؛ نقابی در رنگ ها و انواع مختلف که معمولا از بالای ابرو تا زیر بینی را می پوشاند و دریچه هایی برای دیدن جهان دارد. نقابی مخصوص زنان سواحل خلیج فارس که آن را به عربی بُرقع (Borqe) به گویش محلی مناطق هرمزگان بُرکه (Borke)، در مناطقی از بندر لنگه بَتُوْلَه (Batoole) و میان مردمان مناطق شمال بندر لنگه و جنوب استان فارس (لارستان) تَبیلَه (Tabile) می نامند. برای یافتن رمز و راز این نقاب با قایق از بندر عباس به سمت جزیره قشم حرکت می کنیم که موزه ای از انواع و اقسام آن را در خود جای داده است. از ناخدای جوان قایق که درباره برقع و آداب و رسومش می پرسیم، می گوید چیزی نمی داند؛ این اولین قدم باری دستیابی به سنتی است که همین ناخدای جوان هر روز نه تنها در جزیره قشم، که در بسیاری از شهرهای حاشیه خلیج فارس با آن رو در رو است. پس از سفر دریایی ۴۰ دقیقه ای و رسیدن به قشم، به طرف درگهان می رویم، شهری در ۲۰ کیلومتری شهرستان قشم که می گویند از زمان های دور مرکز تجاری این جزیره و مهمترین بندرگاه این نواحی بوده است. با اینکه گرمای طاقت فرسای درگهان کلافه مان کرده، در گوشه و کنار شهر زنانی را می بینیم که با چادرهای رنگین و برقع ها بر صورت این طرف و آن طرف می روند. قرار است به خانه یکی از معتمدین درگهان، حاج محمد دریانورد برویم تا از گذشته برقع برایمان تعریف کند. تحفه ای از یونان و هند «به بمبئی که می رسیدیم باید می رفتیم «سه بری»». آنجا محله ای بود که کارگاه رنگرزی داشت و پارچه های برکه را رنگ می کردند». حاج محمد پیرمردی است سفید پوش که ۷۵ سال را پشت سر گذاشته. وقتی از سفر به هند برایمان می گوید، تأکید می کند که با لنج بادبانی، از گرمای تابستان یک سال تا گرمای سال دیگر در راه بوده اند. از آنجا که بیشتر مردان این بندر دریانورد بوده اند، مایحتاج یک سال خانواده به حاصل مالی این سفرهای تجاری بستگی داشت؛ واردات و صادرات خرما، میوه، چوب و پارچه از این کشور به آن کشور. اما در این میان پارچه برقع جایگاه دیگری داشته؛ متاعی بوده از هند مخصوص زنان خلیج فارس؛ پارچه ای که در ایران به پوشش منحصر به فردی تبدیل می شد برای صورت

زنان جزیره. اینکه دقیقا برقع از چه زمانی وارد ایران شده برای محققان روشن نیست اما چیزی که درباره آن اتفاق نظر وجود دارد این است که در زمان هجوم پرتغالی ها و بعد از آن انگلیسی ها به جنوب ایران، زنان خطه جنوب - بویژه خطه هرمزگان و جزایر آن - از این پوشش در کنار حجاب خود حصاری ساخته بودند در مقابل مهاجران. این دوره را باید دوره اوج این پوشش دانست اما برای یافتن خاستگاه اولیه آن راه دور و درازی را باید در تاریخ بیماییم. آن طور که در کتاب دایره المعارف لاروس آمده این پوشش در زنان باستان دیده شده است؛ «بعضی از زنان یونان قدیم از حجاب مخصوصی که رو به روی چشم ها دو سوراخ داشته است، استفاده می کرده اند. این نوع پوشش به طرز بسیار جالبی بافته می شده و ظاهری شفاف و درخشان داشته است. چنانچه هم اکنون برقع مورد استفاده زنان جنوب خلیج فارس شفاف و درخشان و آغشته به نیل است». عباس انجم روز - محقق و پژوهشگر - هم در کتاب «برقع پوشان خلیج فارس و دریای عمان» منشا اصلی این پوشش را یونان می داند: «از یونان به اسپانیا و سپس به صحرای طوارق و بربر و کرانه های عربستان، عمان و بالاخره به کرانه های شمالی خلیج فارس انتقال یافته است. در طوارق و بربر برقع تنها جنبه حجاب و رویگیری نداشته بلکه استعمال آن بیشتر به خاطر حفظ چهره از بادهای گرم موسمی و سپس جلوگیری از تابش آفتاب صحرا بوده است». انجم روز البته به زمان پیدایش برقع در ایران هم اشاره می کند: «در سفرهای جنگی شاپور اول و شاپور دوم که اعراب را گوشمالی دادند و هر دو عده ای از اسرای عرب را به ایران آوردند و در نقاط پهناور خوزستان پراکنده کردند و اقامت دادند، برقع از آن زمان بوده. ولی هم اکنون می بینیم که گروه های موجود استان خوزستان فاقد برقع هستند و این خود می رساند که برقع جزء عادات تمام مردم عرب دنیا نبوده است». هر چه بود و هر چه هست، حالا برقع یکی از مهمترین مشخصه های زنان جنوب ایران است؛ پوششی که در هر روستا و شهری در سواحل خلیج فارس نوع بخصوص خود را دارد و رسم و رسوم مخصوص به خود را. معنای نقاب پارچه هایی را که محمد از سفرهای دریایی خود برای زنان به ارمغان می آورد به دست خیاطان برقع ساز می سپرد تا از آنها باب طبع و رسم زنان هر منطقه، برقع های مخصوص دوخته شود؛ «در جزیره، هر کدام از روستاها بر که خود را دارند. شاید بعضی جاها به هم شبیه باشند اما حتما تفاوت کمی دارند». آمنه، دختر حاج محمد این را می گوید. او برقع مخصوص زنان در گهان را نشانم میدهد و توضیح می دهد که این برقع از بالا تا روی شقیقه را می پوشاند و از پایین هم لب ها را پنهان می کند. اندازه چشم ها هم در این برقع به نسبت برقع روستای لافت کوچک است. برقع لافتی ها به خاطر آنکه کمی کشیده تر است و تقریبا تا نزدیکی گوش را می پوشاند، باعث شده تا چشم ها بیشتر مشخص شود. این طور که آمنه می گوید، بین برقع های موجود در جزیره قشم تفاوت برقع زنان «رمان» که روستایی در ۲۸ کیلومتری شهر قشم است، از بقیه بیشتر است. در این نوع برقع علاوه بر چشم ها گونه هم کاملا مشخص است و برقع تنها ابرو، لب و بینی را می پوشاند. برقع های قشمی در عین تنوع از نظر ساختار کلی شبیه به هم هستند؛ فرمی ساده که غالبا هیچ گونه دوخت تزئینی ای روی آن به کار نمی رود و تنها در برش محل چشم ها، فواصل بین گونه ها، شکل ظاهری و محیطی آن با هم تفاوت دارند. مناطق با اهمیت و روستاهای بزرگ این جزیره هر کدام از یک نوع برقع استفاده می کنند و اهالی روستاهای دیگر هم انواع دیگری برای خود دارند. رنگ تمامی این برقع ها یکسان است و پارچه های برقع را با رنگ های براق به نام نیل برقع که یک نوع رنگ شیمیایی است رنگ می کنند. این ماده رنگ مشکمی متمایل به بنفش و تا حدودی سبز تیره به برقع می دهد که به خاطر به کارگیری ماده نیل در پارچه تلالو خاصی دارد. استفاده از ماده نیل در برقع ها به حدی است که معمولا با لمس کردن آن اثر آبی رنگش روی دست ها باقی می ماند. جالب است که اهالی جزیره قشم این ماده را در رفع و بهبودی جوش هایی که در آستانه بلوغ و غرور جوانی بر صورت دختران سبز می شود مؤثر می دانند همین هم باعث شده تا هنوز بعضی از دختران جوان این خطه برقع به صورت بزنند. تفاوت برقع ها تنها به جزیره قشم محدود نمی شود. در سراسر استان هرمزگان، هر منطقه ای برقع مخصوص به خود را دارد. این تفاوت میان برقع های جزایر خلیج فارس با دیگر مناطق هرمزگان بیشتر به چشم می آید. برقع جزایر کوتاه و شامل نوارهای نازکی است که روی ابروها و بینی را

می پوشاند و نوار نسبتاً پهنی که لب‌ها را از نظر پنهان می‌دارد. در بعضی از گونه‌های برقع‌های قشمی، برش پارچه بالای لب تشابه زیادی هم به سیبل مردان پیدا می‌کند. در حالی که برقع‌های بندرعباس که به برقع بندری معروف هستند کاملاً از نظر شکل و ظاهر متفاوتند. برقع بندری را از پارچه‌ای به رنگ سیاه می‌سازند که البته نمونه‌هایی از نوع چرمی آن هم کاربرد دارد. برش آن از بالا دارای زاویه‌ای باز و ۸مانند بوده و پایین آن به صورت منحنی است. علاوه بر تعبیه دو سوراخ برای چشمها در قسمت وسط دو چشم، چوبی به عرض دو و طول ده سانتی متر قرار می‌دهند که از درخت نحل گرفته می‌شود و به پنگ مغ معروف است. البته در دیگر مناطق هرزگان مثل میناب و جاسک رنگ، فرم و دوخت‌های تزئینی به کار رفته روی برقع‌ها به گونه دیگری است و سنت مخصوص به خود را برای استفاده دارد. انتخاب رنگ برقع‌ها یکی از این سنت‌هاست که استفاده کننده به وسیله آن جایگاه اجتماعی و طایفه‌ای خود را مشخص می‌کند. رنگ‌ها و سنت‌ها رنگ برقع همسر همسر حاج محمد قهوه‌ای است. می‌گوید: «اولش این رنگی نبوده و نیلی بوده وقتی برکه‌ای را زیاد پوشی رنگ نیلی اش می‌رود و قهوه‌ای می‌شود. این یعنی اینکه باید برکه جدید خرید». رنگ برقع برای مردمان جنوب فقط وسیله‌ای برای تزئین و زیبایی نیست. هر رنگی مفهوم ویژه‌ای داشته و سنت خاصی را از گذشته تا حال در خود دارد. بار معنایی این رنگ‌ها را میتوان تقریباً به طور یکسان و با تفاوت‌های کمی در سراسر سواحل خلیج فارس دید؛ مثلاً برقع مشکی کامل که جنسش از پارچه مشکی است مخصوص زن‌های ماتم زده است. زنانی که شوهرانشان مرده باشند تا زمانی که در لباس ماتم نشسته‌اند یعنی چهار ماه و ده روز از این برقع استفاده می‌کنند. در این ایام زن باید تماماً سیاه پوش بوده و صورتش پوشیده از نگاه نامحرم باشد. البته بعضی از پیرزنان به خصوص در منطقه بشاگرد این رنگ از برقع را همیشه به چهره می‌زنند. برقع قرمز به برقع بلوچی معروف است و تا حدودی در بخش جنوب شرقی بلوچستان هم استفاده می‌شود. شکل آن مستطیل کامل است و در نمونه‌هایی از تزئینات پولک، نوارخرس و گلابتون در کنار سوزن دوزی که غالب سطح برقع را می‌پوشاند استفاده می‌شود. این رنگ برقع مخصوص زنان متأهل است که هم در خانه و هم در بیرون از آن استفاده می‌کنند. نخ کاموای قرمزی پوشش سطح آن را تشکیل می‌دهد که امروزه از چرخ در تهیه آن استفاده می‌شود. برای تزئین آن هم از نخ گلابتون زرد رنگ غالباً روی بینی برقع استفاده می‌کنند. برقع زرشکی مخصوص دختران مجرد یا عقد کرده است و غالباً ساده و بدون تزئین. در بعضی مناطق هرزگان دختران تا قبل از ازدواج برای پوشش کامل از دید نامحرم این برقع را به صورت می‌زنند. دوخت روی آن تمام سطح برقع را می‌پوشاند اما دور چشم آن به اندازه دو تا سه سانتی متر بدون کاموا و به رنگ سیاه است. جالب است که این رنگ تنها مورد استفاده دختران نیست و برقع زرشکی زنانه از آن استفاده می‌کنند، سیاه نیست و بیشتر در ایام عزاداری محرم و صفر استفاده می‌شود. این برقع برخلاف نوع دخترانه اش تزئینات دارد و روی بینی اش را با نخ گلابتون زینت می‌کنند. رنگ دیگری که در برقع‌ها مفهوم ویژه‌ای دارد، نارنجی است که آن را بیشتر دختران به صورت می‌زنند، اما بانوان تازه عروس هم با تزئیناتی بیشتر تا مدت‌ها از آن استفاده می‌کنند. البته نوع تزئینات بیشتر آن در ایام جشن عروسی عمومیت بیشتری دارد. در این برقع به کارگیری الیاف طلا در تزئین آن و نصب پلاک طلا برای تازه عروسان متداول است و استفاده از نخ ابریشم هم در این نوع کاربرد بسیار دارد. درست است که انواع برقع‌ها و رنگ‌های متنوع آن در شناخت کسی که برقع به چشم زده کمک می‌کند اما چیزی که هر تازه‌واردی را مبهور می‌کند این است که اهالی جنوب چگونه نزدیکان خود را از پشت برقع می‌شناسد. همسر حاج محمد جواب جالبی به این سؤال می‌دهد: «اینکه تعجب ندارد. در یک اتاق که ۵۰ نفر که به صورت دارند هم می‌توانیم همه خانواده و همسایه‌هایم را بشناسم. ما در شناخت چشم‌ها مهارت داریم». ساخت خیاط «پارچه‌های هندی را یکر است می‌دادیم دست خیاط تا برقع‌هایمان را برایمان درست کند». حاج محمد دریانورد می‌گوید که در گهان پر از زنان خیاطی بوده که برقع می‌ساخته‌اند. سراغ این زنان خیاط را که از او می‌گیرم، پیرمرد می‌گوید: «آخرین نفرشان در در گهان، همین چند سال پیش به رحمت خدا رفت». می‌پرسم پس برقع‌هایی را که حالا زنان در گهان به صورت می‌زنند چه کسی می‌دوزد که همسر دریانورد پاسخ

می دهد: «همین نزدیکی ها، روستای گیاه دان، یک خیاط زن آنجا هست که هنوز هم بُرکه می دوزند و ما هم آنجا می رویم». از همسر حاج محمد می خواهیم تا دیدن این خیاط را برایمان میسر کند که متأسفانه پس از تماس تلفنی متوجه می شویم در حال حاضر در خانه نیست. پس مجبوریم برای دیدن کارگاه تولید به لافت برویم که می گویند هنوز خیاطان برقع دوز زیادی دارد. با یکی از وانت های بی شمار در گهان که خاص جزایر هرمزگان است به سمت لافت در ۶۰ کیلومتری در گهان می رویم و آنجا سراغ زنی را می گیریم که خیاط معروف برقع است؛ خانم فاطمه محمد. احمد پسر او، ما را به داخل منزل هدایت می کند. می گوید مادرم نزدیک ۵۰ سال است که برکه می دوزد. خیلی طول نمی کشد که او را می بینیم. بی مقدمه نحوه ساخت برقع را از او می پرسیم و او هم با آرامش همه را توضیح می دهد. پارچه مخصوص (شیله) بند برقع، چوب بمبوک، قیچی، نخ و سوزن و یک تکه صابون تمام وسایل لازم برای ساخت برقع است. فاطمه محمد می گوید در زمان قدیم پارچه ها را مستقیماً از هند می آوردند. اما الان از هند به دوبی و بعد به در گهان می آورند. پارچه هایی با رنگ سبز روشن در بسته بندی های ۳۰ تایی که اندازه آن به قاعده یک دفتر ۴۰ برگ گاهی است. همه اینها را گذاشته است در یک جعبه فلزی. در جعبه را باز می کند پر است از چوب و کاغذ و نخ و سوزن. می گوید چون هوا خیلی گرم است و می داند طاقت گرما نداریم، وسایلی را آورده زیر باد کولر اما در روزهای عادی کار ساخت برقع را در هوای آزاد انجام میدهد؛ چون رنگ (نیله) به سرعت در فضای اتاق پخش می شود و تمام وسایل و لباس ها را به خود آغشته می کند. خیاط ماهر یک پارچه را از بسته ۳۰ تایی بیرون می کشد و ابتدا با قیچی، جای چشم ها را در پارچه در می آورد. او می گوید بدون هیچ متر و قالبی می تواند ده ها جای چشم را روی پارچه های متعدد، هم اندازه در بیاورد. سپس دور تا دور قسمت بریده شده را برای سهولت در دوخت صابون می کشد. دور آن را با نخ می دوزد و سپس با حرکات ریتمیک دست، تمام پارچه را به حالت چین چین در می آورد. احمد پسر او از دنگ و فنگ ساخت برقع می نالد که مادر از زیر برقع نگاهی به او می اندازد و می گوید: «هر کاری سختی خود را دارد و باید سختی بکشی تا کارت بهترین باشد». بعد دوباره کار خود را ادامه می دهد. دور تا دور پارچه را دو ردیف کوک می زند و چوب بمبوک را که اندازه یک چوب بستنی است، در حفره ای که روی بینی قرار داده جای میدهد. گویا ستون استحکام برقع همین یک تکه چوب است. در آخر هم یک جفت بند را به دو طرف برقع متصل می کند. برای اینکه هنگام استفاده آن را پشت سر گره بزنند و از افتادن برقع از روی صورت جلوگیری شود. ساخت بند برقع برای خودش کلی وقت گیر است، باید با وسایل خاصی به نام «جوغن زری» سیم های رنگی مخصوصی را به هم بافت. مادر احمد می گوید خانواده هایی که وضع مالی خوبی دارند در محل اتصال بند به برقع از نوعی حلقه طلا استفاده می کنند که به زیباتر شدن برقع کمک می کند و گاهی هم قیمت آن به بیش از دو میلیون تومان می رسد او می گوید از این برقع ها بیشتر در اعیاد و مراسم عروسی استفاده می شود. پس از پایان ساخت برقع که حدود نیم ساعت طول می کشد، خیاط قسمتی از برقع را که روی صورت قرار می گیرد، چسب نواری می زند تا هنگام استفاده صورت رنگی نشود و سپس آن را به من هدیه می کند. گویا هنگام عید نوروز که مسافران زیادی از نقاط مختلف ایران با لافت سفر می کنند استقبال زنان غریبه از برقع مخصوص زنان جزیره بسیار زیاد است و خیاط بسیار پرکار می شود؛ «مهمانان به برکه علاقه بیشتری دارند تا دختران خودمان». این را فاطمه محمد می گوید. رسم از یاد رفته «زمانی هر جا که می رفتی زن ها بُرکه بر صورت داشتند و خیلی ها بُرکه می ساختند. حالا به جز من و چند زن همسایه کسی برکه نمی دوزد. دختران جوان هم نمی خواهند دستانشان رنگی شود و برای همین بُرکه نمی سازند» خانم فاطمه محمد این را با حسرت نمی گوید چون معتقد است که زمانه عوض شده و باید به خواست جوان ها تن داد. واقعیت این است که در بسیاری از مناطق جنوب ایران، دیگر کارگاه های تولید برقع وجود ندارند اما این موضوع دلیلی برای از بین رفتن کامل آن هم نیست. هنوز هم در سواحل خلیج فارس و به خصوص در روستا ها و شهرهای جزیره قشم، کارگاه های خانگی تولید برقع وجود دارد؛ کارگاه هایی که در آن زنان خیاط جنوبی دور هم جمع می شوند و با پارچه های رنگین، برقع می سازند. البته این کار نسبت به قدیم کمتر شده

است. در دهه های گذشته در بیشتر شهرها و مناطق استان هرمزگان تولید برقع رواج فراوانی داشت ولی امروزه سلاقی و نوع پوشش مردم در بیشتر مناطق این استان تغییر یافته و استفاده از این پوشش بسیار کم و محدود شده. به همین دلیل هم مراکز تولید آن کمتر شده است. زمانی در گهان مهم ترین مرکز تولید برقع از نوع جزایری بود؛ هر چند حالا- با ورود ماشین های چرخ خیاطی بیشتر روستاهای قشم برقع می سازند اما هنوز هم هیچ کدام آنها به اندازه گذشته تولید ندارند. این موضوع را می توان از میان آمارها فهمید. بررسی های انجام شده در سال ۱۳۸۸ گویای این است که نزدیک به ۵۰۰ کارگاه کوچک و بزرگ خانگی تولید برقع در جزیره قشم، منطقه میناب تا جاسک وجود دارد که یک چهارم آنها کاملاً دست دوز و بقیه به صورت چرخ دوز هستند. مقایسه این آمار با آمارهای گذشته نشان می دهد که در یکی دو دهه اخیر نزدیک به ۹۰ درصد کارگاه های تولید برق تعطیل شده و یا تولید محصول خود را تغییر داده اند. واقعیت این است که اگر به همین ترتیب پیش برویم، تا ده سال آینده از همین تعداد کارگاه های موجود هم خبری نخواهد بود. استفاده از برقع هر روز طرفداران کمتری پیدا می کند و نسل جدید با پوشش امروزی، خود به خود به کارگیری این وسیله را بی اعتبار کرده است. امروزه استفاده از پوشش های محلی مثل برقع ها در حال کاهش است و بیشتر در مراسم آیینی خاص، جشن ها و عروسی ها از آن استفاده می شود. البته برقع تنها لباس کامل بومی منطقه کاربرد و معنا دارد و در هرمزگان امروز درصد ناچیزی از زنان پوشش بومی بر چهره می زنند. این وسیله که حالا بیشتر در بین زنان سالخورده روستایی در مناطقی چون میناب، جاسک، قشم و بندر عباس استفاده می شود در بین زنان اهل سنت طرفداران بیشتری دارد. امروزه استفاده از برقع در میان دختران نسل حاضر هرمزگان بیشتر جنبه تزئینی دارد اما آنچه به وضوح قابل مشاهده است کمرنگ شدن استفاده از برقع و به نوعی به تاریخ پیوستن این نمونه از پوشش منطقه است که نزدیک به سه قرن متمادی در فرهنگ این منطقه حضور پر رنگی داشته و می توان به صراحت یک دوره تاریخی را به نام آن اختصاص داد؛ دوره ای که پیش بینی می شود تا ۲۰ سال آینده اثری از آن باقی نماند.

پرنیان هفت رنگ در پوشش زن ایرانی

لباسهای محلی در ایران بدون تردید جهان بینی و انسان شناسی هر فرهنگ و مکتب، نقش اساسی و مهمی در انتخاب نوع و کیفیت پوشش دارد و انسانها به وسیله نوع پوشش بخشی از هویت خود را عرضه می نمایند. پوشاک، بارزترین سمبل فرهنگی، مهمترین و مشخص ترین مظهر قومی و سریع الانتقال ترین نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تأثیر پدیده های فرهنگ پذیری در میان جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. حتی عده ای را عقیده بر آن است که استیلای فرهنگی و سلطه پذیری در وهله اول از طریق انتقال پوشاک صورت می گیرد و حتی می توان با تغییر پوشاک یک جامعه، نوع معیشت و شیوه تولید آنها را نیز دچار دگرگونی نمود و تغییرات و تحولاتی در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه به وجود آورد. مثل تغییر پوشاک تحمیلی توسط رضاخان در ایران و کمال آتاتورک در ترکیه. پوشاک، بارزترین سمبل فرهنگی، مهمترین و مشخص ترین مظهر قومی و سریع الانتقال ترین نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تأثیر پدیده های فرهنگ پذیری در میان جوامع گوناگون انسانی قرار می گیرد. بعد از ورود اسلام به ایران چنان که از شواهد برمی آید بهره گیری از لباس مشروط به شرایط خاصی بوده چرا که اسلام دینی است بنا شده بر فطرت و سرشت انسانی و هیچ گاه موجب انفکاک این دو نگشته، بلکه علاقه به زیبایی و هنردوستی او را در تمام احکام خود ملا حظله کرده است و زمینه های هنر و زیبایی را برای او آفریده است. بنابراین با ورود اسلام نه تنها لباس زیبایی خود را از دست نداده بلکه زیباتر و اصولی تر گشته است. تاریخچه پوشش در ایران نیز پیوندی عمیق با حجاب، به معنای پوشش کامل و زیبایی شناسی و زیبایی دوستی دارد. سرزمین ایران سرآمد زیبایی ها و ظرافتهاست، مردم ما حاصل فرهنگی عمیق و ریشه دار، با آمیزه ای از دین و تاریخ هستند. هر اندازه فرهنگ و هنر یک سرزمین با بنیانهای اعتقادی و فکری و دیرپای ملی مرتبط باشد، بر عمق عظمت حس

زیبایی شناختی مردم آن سرزمین تاثیر می گذارد. گروههای متفاوت انسانی که در مناطق مختلف کشور ما زندگی می کنند هر کدام دارای ویژگیهای قومی برجسته ای بوده و تن پوش ویژه ای داشته که معرف قومیت، زبان و سایر مشخصات فرهنگی آنان می باشد. شناخته شده ترین این اقوام عبارتند از آذربایجانی، بلوچی، بختیاری، ترکمنها، خراسانیها، قشقایی ها، کردها، گیلانی ها، لرها و... هستند. پوشاک زنان آذربایجانی پوشاک زنان این دیار شامل سربند، روسری، پیراهنهایی شبیه زنان بختیاری و زیرپوش آنها مانند پیراهن بانوان کرد است، جلیقه ساده و سکه دوزی شده، شلوار ساده و بلند و کفش از دیگر ویژگی های لباس زنان آذربایجانی می باشد. پوشاک زنان بلوچ مردم سخت کوش این سامان دارای قبایل بسیار هستند. هنر سوزن دوزی زنان این خطه بی نظیر است. پوشاک عمده زنان بلوچ از سربند که از پارچه یا مخمل تهیه می شود و کلاهکی شبیه نیم تاج روی آن قرار می گیرد، پیراهن که غالباً در قسمت سینه و سر دست سوزن دوزی بسیار زیبایی می شوند، شلواری با دم پای تنگ و سوزن دوزی شده، قبایی به شکل راسته و ساده با آستینهای بلند و یقه گرد و در روی همه پوشاک خود چادر تشکیل می شود. پوشاک زنان بختیاری چادر بانوان بختیاری مشخص کننده پوشاک زنان بختیاری است که از جنس پارچه توری و گاه مزین به تارها و نقشها و حاشیه های زرین است. حاشیه و کناره های چادر زنان بختیاری اغلب به وسیله زر و زیور و سکه های مختلف تزیین می شود. پوشش زن بختیاری آمیخته ای از پوشاک همسایگان خود بویژه اصفهانیها است. نوع ترکیب رنگها و شکل هندسی مردمان سرزمین چهارمحال و بختیاری برگرفته و الهام گرفته از طبیعت است و این نوع لباس آینه ای بر باور اعتقادی، صنعت و هنر آنهاست و علاوه بر خود اتکایی اقتصادی و تولید آفرینش هنر و صنایع دستی است. پوشاک زنان ترکمن ایلهای ترکمنی پوشاک تزیین شده و زیبایی دارند. از لحاظ برش ساده اما چشمگیر است. زنان ترکمن عموماً هنر قالی بافی داشته و مهارت خاصی در زمینه هنرهای قالی بافی و سوزن دوزی دارند. پوشاک این زنان هنرمند از کلاهکی به شکل استوانه و نسبتاً بلند که روی آن را اغلب از پارچه ساده و ابریشمی به رنگ قرمز با دنباله چین دار و بلند می پوشانند، پیراهن با برشی ساده، شلواری که دم پای آن از قسمت مچ تنگ تر است و قبای سوزن دوزی شده بلند، روسری ابریشمی بزرگ، جوراب پشمی و کفش تشکیل یافته است. پوشاک زنان خراسان لباس سنتی زنان خراسان شامل پیراهن زنانه معمولاً از پارچه های گل دار نازک دوخته می شد و آن را روی زیر جامه می پوشیدند. پیراهن که تا روی سرین را می پوشاند معمولاً با شلوار پوشیده می شود. پیراهن های زنان روستایی و کارگران معمولاً کرباسی و گشاد بود و پیش از آنکه جوراب های ماشینی به بازار آید جوراب را خود زنان و دختران با میل می بافتند که نخ، پشمی و یا کرکی بود که رنگ های متفاوت داشت و بالاپوش معروف که زنان آن را روی سر می اندازند و از فرق سر تا پشت را می پوشانند. چادر عبایی از دو قسمت تشکیل می شود: پائین تنه آن مانند دامن بلندی است که با بندی به کمر بسته می شود و بالا تنه آن را روی سر می اندازند بدان سان که سر و بالا تنه را می پوشانید. پوشاک زنان قشقایی پوشاک قشقایی ها مشخص، متنوع و مختص قشقایی ها می باشد. پوشاک زنان قشقایی بسیار موقر، باشکوه و مجلل است. پوشش زنان قشقایی مانند پوشاک بختیاری ها رنگین، بانشاط و ساده و شامل کلاهکی نظیر کلاهک زنان بختیاری، روسری که پارچه ای سه گوش و لچکی بزرگ می باشد، پیراهنی دارای دامن بلند، نیم تنه نوار دوزی شده، شلوار گلداز و پاپوش. پوشاک زنان گیلان پوشاک بانوان گیلک دارای تنوع و جلوه خاصی است. از بین آنها پوشاک زنان قاسم آباد، شاخص ترین پوشاک از لحاظ تنوع و سلیقه در منطقه است. چارقد زنان این منطقه، تزییناتی از نوارهای الوان در قسمت جلو دارد و از پارچه مشکی تهیه می شود و با شیوه خاصی به سر زنان بسته می شود. پوشاک زنان لر بنا به موقعیت اجتماعی، اقتصادی و از طرفی شرایط سنی از ویژگیهای مشخصی برخوردار است. پوشاک زنان جوان لر با پارچه های الوان در رنگها و طرح های شاد با سربندهای زیبا و رنگی می باشد. زنان مسن تر پارچه هائی به رنگ تیره و طرح ای ساده و سربندی سیاه و سفید را ترجیح می دهند. روسریهای زنان لر که در زبان محلی به آن گل ونی می گویند. زیبایی خاصی به سر زنان لر می دهد. این روسریها که معمولاً ابریشمی می باشند و در طرح ها و رنگهای مختلف به کار می روند. با گره زیبایی به دور سر

پیچیده می شود گوشه های آن هم به صورت آویزان بر پشت سر قرار می گیرد. پیراهن زنان لر دارای برشی ساده، بلند و گشاد است با طرح های گلدار و رنگهای الوان. شلوار پوشاک زنان لر از لحاظ ترکیب و جنس پارچه دو قسمتی و دو رنگی است. معمولاً از دمپا تا حدود بالای زانو، پارچه ساده با نقشبندی و نوردوزی شده است و قسمت بالاتر به رنگ دیگر و گلدار می باشد. قسمت های دیگری بر روی پیراهن زنان قرار می گیرد از جمله کلنجه، کت مخملی که در جلوی بدن بسته نمی شود، بقیه و لبه های دم آستین و دور شکاف آن یراقدوزی و نوردوزی شده است. پوشاک زنان کرد پوشاک زنان کرد از سربند، زیرپوش، پیراهن، نیم تنه، قبا، روپوش، شلوار تشکیل شده است. پوشش سر زنان کرد کرمانشاهی پرپشت و از چندین دستمال بزرگ ریشه دار تشکیل شده است. این دستمالها را معمولاً بر دور کلاهکی که گاه شبیه عرقچین است می پیچند، کلاهک ممکن است چند ترک یا بدون ترک و ساده باشد. لباس آنان نیز شامل زیرپوش یا زیرپیراهنی بلند قد با آستین ساده و میچ دار و پیراهن بلند گشاد، جلیقه که تن پوشی بی آستین و با قد کوتاه و تا کمر می باشد، نیم تنه که مانند جلیقه کوتاه است و سراسر کناره های آن دارای نوارهای الوان و یراق است، قبای بلند، شلوار و روپوش که چادری از پارچه ابریشمی مشکی است و در پیش روی سینه گره می زنند می باشد و پاپوش سنتی آنان همان کفش دستباف رنگین است که به گیوه معروف است. منابع غفاری، زهرا. پوشش زن ایرانی از نگاه تاریخ. سایت مردم سالاری. شهسپهانی، سهیلا. ۱۳۷۴. تاریخچه پوشش سر در ایران. موسسه انتشارات مدبر. تهران پوشش زنان در ایران (بخش سوم و چهارم)، سایت مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری. پوشش محلی زنان ایران. مجله پیام زن. خرداد ۱۳۸۰، شماره ۱۱۱. ضیاءپور، جلیل. پوشاک ایلات و روستاییان ایران. نگاهی اجمالی بر پوشاک زنان محلی ایران - دومین نمایشگاه تشخیص و منزلت در نظام اسلام. مریم عطاریان - بخش خانواده و زندگی

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار - ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در

سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

